



فناڤراناڤان  
The Foundation of Iranbanan  
چهارم و پنجم امرداد  
(۲۶ و ۲۷ جولای)



## به احترام دو ابرمرد تاریخ ایران رضاشاه بزرگ و شاهنشاه آریامهر

سر تعظیم فرود می آوریم.

یادشان گرامی، نامشان پرافتخار و راهشان پایدار باد

سالروز گذشت رضاشاه بزرگ و ایران پدر، شاهنشاه آریامهر

یکبار دیگر گذشتِ زمان، ما را به روزهای فراموش نشدنی چهارم و پنجم امرداد ماه رساند. این دو روز یادآورِ درگذشتِ دو حماسه‌آفرینِ بزرگ در تاریخ کشورمان هستند، دو حماسه‌آفرینی که با از خودگذشتگی در راه میهن، در زمانی بسیار کوتاه، کشور جهانِ سومی (قرون وسطائی) خود را که به دست حکومت‌های مذهبی و خودفروخته‌ی پیشین به ویرانه تبدیل شده بود، به شکوفایی هزاره‌ی سوم رسانیدند و گذرگاهِ ناهموارِ پانصد ساله‌ی تاریخ را در طول پنجاه سال پشت سر گذاشتند. آرمانهای پادشاهِ بزرگِ ایران، همگام با پیوستن به شاهراهِ کشورهای پیشرفته و صنعتی جهان، پیش از ورود به قرن بیست‌ویکم بود.

شگفتا که سرنوشت، روزهای درگذشتِ این دو ابرمردِ تاریخ، و این دو قهرمانِ زندگی‌ساز را درست به دنبال یکدیگر قرار داده است، چنانکه گویی این حماسه‌آفرینان حتا پس از مرگ باید در کنار هم یک استوره‌ی تاریخی را برای آیندگان نگهداری می‌کردند. چرا که هر دو به یک سرنوشت دچار شدند، هر دو از ایران پرستاری کردند، هر دو در قاره‌ی افریقا جان باختند، و هر دو نیز سالها انتظار را برای بازگشت جاودانی به خاک وطن خود در یک مسگد (مسجد) و در قاهره به امانت گذارده شده‌اند.



هنوز بانوان و مردان بسیاری زیادی درون و بیرون از ایران هستند که تمامی حماسه‌ی پنجاه ساله‌ی پادشاهان پهلوی را از نزدیک شاهد بوده و در حکومت دولت شاهنشاهی خدمت کرده‌اند. این افراد گواهان زنده‌ای بر این واقعیت تاریخی هستند که چگونه یک ایران عقب افتاده، فقیر و گرسنه، ناامن و در شرف بردگی (تحت الحمایگی) برای انگلستان و استعمارگران بیگانه، با اراده‌ی رضاشاه بزرگ، تنها در مدت شانزده سال بصورت کشوری مستقل و برخوردار از حاکمیت ملی و یکپارچگی سیاسی در آمد و امنیت و آسایش در همه جای کشور برقرار شد.

ایران در دوران سی و هفت سال پادشاهی شاهنشاه آریامهر از فرم کشوری که تازه به دوران سازندگی خود پا گذاشته بود، تبدیل به کشوری پیشرفته و شکوفا شد، که در میان بیش از یکصد و پنجاه کشور جهان، نام ایران بزرگ پرآوازه گردید و از چنان قدرت و احترام جهانی برخوردار شد، که از دوران شاهنشاهی ساسانیان تا شاهنشاهی پهلوی، مانند آن در تاریخ دیده نشده بود.

در زمان ایران پدر، شاهنشاه آریامهر بود که قانون اجتماعی قرون وسطائی ایران جای خود را به یک قانون پیشرفته در قرن بیستم و شایسته‌ی ملت ایران داد.

- رعیت بی اختیار ارباب مذهب، مقام کشاورز آزاد را یافت که صاحب زمین کشاورزی خویش گردید و زیر پوشش وزارت کشاورزی قرار گرفت.
- عملی حقیر و آواره، تبدیل به کارگر محترم شد و در سود کارخانه شریک گردید و اتحادیه‌ی کارگران را تشکیل داد.
- زن ضعیف‌ی سنتی، به مقام بانوی تحصیل کرده رسید و از حقوق مساوی با مردان در همه‌ی زمینه‌ها برخوردار گشت.
- روستائیان، که اکثرشان از همه‌ی امکانات زندگی مدرن محروم بودند، پذیرای سپاهیان دانش، سپاهیان بهداشت و سپاهیان ترویج و آبادانی شدند.
- هنگام خروج پادشاه از کشور، علاوه بر میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری در کشورهای گوناگون، ایران دهها میلیارد دلار ذخیره‌ی ارزی داشت.
- در زمان همین پادشاه بود که بدون جنگ و خونریزی و حتا شلیک یک گلوله، ایران حق تاریخی خود را در اروندرود به ثبت رساند.



- علاوه بر آموزش رایگان، بیش از یکصد دانشگاه و آموزشگاه‌های تخصصی در سراسر کشور ساخته شد که سالیانه پذیرای بیش از پنجاه هزار دانشجو بودند.
- ایران یکی از ده قدرت اقتصادی اول جهان، در میان کلیه کشورهای عضو صندوق بین‌المللی پول به شمار می‌آمد و شرکت ملی نفت ایران در مقام یکی از ده شرکت بزرگ، از میان پانصد شرکت سودآورِ درجه اول دنیا قرار گرفت و حتا از دو شرکت بزرگ اکسون و شل پیشی گرفته بود. این نخستین بار بود که یک شرکت خارج از دنیای غرب، در چنین مقامی قرار می‌گرفت. ایران در جایگاه اعتباری بین کشورهای جهان، در فهرست ده کشور معتبر و درجه اول دنیا، مقام نهم را داشت که هم‌اکنون به برکت حکومت اسلامی الله بر روی زمین، به مقام یکسدهویست‌وسوم در ژرفای جهنم فرود آمده است.
- در زمان همین پادشاه بود که ایرانیان از حیثیت و احترام بین‌المللی روزافزون در دنیا برخوردار بودند و ایران بصورت یکی از مراکز تعیین کننده‌ی سیاست بین‌المللی در جهان درآمده بود.
- همین پادشاه بود که می‌گفت: هنگامیکه اجرای برنامه‌ی ضربتی خودم را برای بیرون آوردن کشورم از تاریکی‌های قرون وسطائی و جبران عقب‌ماندگی‌ها آغاز کردم، خوب می‌دانستم که در برابر عوامل مخالف پیشرفت، یعنی مرتجعین مذهبی، مالکان بزرگ، بازاریان، کمونیست‌ها و در عین حال تحریکاتی که توسط نیروهای بین‌المللی به عمل می‌آمد، باید ایستادگی کرد.
- همین پادشاه بود که می‌گفت: خوب می‌دانم که با بودن آخوندهای قشری، امکان هیچ اصلاحی در ایران وجود ندارد. اصولاً هیچ مملکتی نیست که زیر نفوذ متعصبین مذهبی قرار داشته باشد و کشوری عقب‌افتاده و محروم نباشد.
- برای انجام هرگونه اصلاحات در ایران باید اول آخوندها و روحانی نمایان را سر جای خود نشانند.
- ما مصمم هستیم هویت ملی خودمان را حفظ کنیم و از فرهنگ ایرانی و ارزشهای آن پاسداری کنیم. معنای این پاسداری آنست که به سه هزار سال سنتهای ملی خودمان وفادار باشیم و با قاطعیت به جانب استقرار یک جامعه‌ی مدرن سنتی با سطح عالی فکری و اجتماعی ادامه دهیم.
- و سرانجام همین پادشاه بود که در زمینه‌ی سیاست بین‌المللی (به تائید و تاکید بسیاری از رهبران و سیاستمداران بلندپایه‌ی خارجی که پس از درگذشت این پادشاه بزرگ در کتاب‌های خود نوشته و منتشر کرده‌اند) بخاطر آگاهی و تسلط کم‌نظیرش برای کنترل رویدادهای سیاسی جهان، یکی از برجسته‌ترین زمامداران تاریخ جهان بود.



سی‌ویک سال پس از پایان یکی از پرشکوه‌ترین حماسه‌های تاریخ ایران، امروز به دشواری میتوان حتا یک ایرانی را به استثنای جیره‌خواران و مزدوران مافیای ولایت فقیه پیدا کرد، که با تمام وجودش احساس نکرده باشد که در سرزمین اهورائی او، چه اهریمنی جای فروغ تابناک پادشاهی را گرفته است و هر روزی که می‌گذرد، ملت ایران به روشنائی و شکوه دولت شاهنشاهی بیشتر پی می‌برند، که نسل ۵۷ با یک اشتباه نابخشودنی، فریب استعمار و آخوندهای مزدور را خوردند و خاکستر آتش برافروخته بدست مزدوران دولت فخیمه را به سر خود و نسل‌های آینده‌ی ایران ریختند و کشور را دو دستی پیشکش بیگانگان کردند.

ملتی که از فردای استقرار حکومتِ الله بر روی زمین، با جنایت‌ها و غارت‌های آن آشنا شدند، سر به آسمان برداشته و گریستند و گفتند و همچنان می‌گویند: نور به آرامگاه شاهنشاه آریامهر ببارد. نگاهی بر ابرشهریاری که به هنگام ترک کشور، مشتی از خاک ایران را برداشت و گریست، و آخوندی هندی‌زاده که به هنگام ورود به ایران، در پاسخ روزنامه‌نگار که پرسید: چه احساسی دارید؟ گفت: هیچ!

آنهائی که سی‌ویک سال پیش هیزم و توشه‌ی زمستانی خود و فرزندان آینده‌ی کشور را با ریسمان (طناب) "هیج" بستند، امروزه نباید بیشتر از آنچه که به سرشان آمده، انتظاری داشته باشند و ننگ بر آنان که با بی‌خردی و نادانی خویش، زندگی میلیون‌ها انسان بی‌گناه دیگر را به نابوی کشاندند.

روان پادشاهان پهلوی شاد و یادشان همیشه گرامی باد

دکتر نوشیروان حاتم

جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران

۴ و ۵ مرداد ماه ۲۵۷۰ شاهنشاهی | ۲۶ و ۲۷ جولای ۲۰۱۱ میلادی